

جوانان و آسیبهای اجتماعی

تبیین جامعه شناختی انحرافات اخلاقی دانش آموزان دبیرستانی در استان آذربایجان شرقی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۱/۲۱

از صفحه ۲۷ تا ۴۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۶/۲۵

کمال کوهی^۱

چکیده

آسیبهای اجتماعی یکی از عوامل کند شدن چرخه توسعه و در مواردی عامل بازدارنده آن محسوب می شود، هر گونه تلاش در جهت اصلاح، رفع و پیشگیری از آسیبهای اجتماعی به ویژه انحرافات اخلاقی به معنای تلاش در جهت رفع موانع توسعه و یا پیامدهای عقب ماندگی است. بنابراین موفقیت در امر مقابله با آسیبهای اجتماعی معرف موفقیت در امر توسعه و بهبود حیات اجتماعی جامعه است. در همین راستا، تحقیق حاضر با هدف تعیین و شناسایی انحرافات اخلاقی در مدارس و عوامل موثر با آن انجام شده است. تحقیق به روش پیمایش در میان ۶۶۴ نفر از دانش آموزان دوره متوسطه استان آذربایجان شرقی انجام شده است. روش نمونه گیری طبقه ای متناسب و انتخاب نمونه هابه شیوه تصادفی ساده و سیستماتیک صورت گرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه و مصاحبه نامه بوده و برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ استفاده شده است. نتایج بدست آمده نشان می دهد، میزان شیوع انحرافات اخلاقی در سطح متوسط به بالا است. نتایج تحلیل همبستگی نشان می دهد بین سرمایه اجتماعی، وضعیت مولفه های عوامل روانی، میزان دینداری و مهارت های ارتباطی با انحرافات اخلاقی همبستگی معنی دار وجود دارد.

کلید واژه ها: آسیبهای اجتماعی / انحرافات اخلاقی / سرمایه اجتماعی / دانش آموز.

۱- استادیار جامعه شناسی و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول: k.koohi@Tabrizu.ac.ir)

مقدمه و بیان مسئله:

آسیبهای اجتماعی در هر جامعه ای یکی از عمده ترین عامل تهدید کننده نظام اجتماعی تلقی می شود. بنیان هر جامعه به همنوایی اعضایش با ارزش ها و هنجارهای آن متکی است. اگر اعضای جامعه از هنجارهای اجتماعی تخطی نمایند جامعه نمی تواند به آسانی کارکردهای خود را انجام دهد، بنابراین دچار بی سازمانی و بی نظمی می شود. در این حالت مکانیسم های کنترل اجتماعی (رسمی و غیر رسمی) وارد عمل می شوند تا افراد ناهمنوا را به همنوایی با هنجارها و ارزشهای جامعه وادار نمایند. اگر این مکانیسم ها موثر نیافتد و افراد همچنان به عمل تخطی از هنجارها ادامه دهند، ممکن است شیرازه نظام اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه با خطر جدی روبرو شود.

یکی از عمده ترین نهادهایی که به همنوایی افراد با هنجارها کمک شایانی می نماید، نهاد آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش یکی از مهمترین کارگزاران جامعه پذیری در هر جامعه محسوب می شود. اگر این نهاد نتواند به درستی نقش خود را در فرایند جامعه پذیری دانش آموزان ایفا نماید، مشکلات عدیده ای در مدرسه و جامعه ایجاد می گردد. بنابراین، در آموزش و پرورش مدرسه ها به عنوان مکانی مطمئن در پرورش انسان ها قلمداد می شود و در فراهم آوردن زندگی سالم و نشاط انگیز و تربیت افراد با رفتار سالم، نقش بسیار ارزنده ای را ایفاء می کند.

در تمام جوامع، استفاده کنندگان از محیط مدارس نوجوانان و جوانان تشکیل می دهند. این گروه از جمعیت که ساعات نسبتاً طولانی را در مدرسه سپری می کنند، در سنین حساسی قرار دارند. کوچکترین بی توجهی در نهاد آموزش و پرورش در امر جامعه پذیری دانش آموزان هزینه های هنگفتی بر جامعه تحمیل می کند.

انحراف اجتماعی به معنی عدم اطاعت و تبعیت فرد از قواعد گروه است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۳۱۵). از دیدگاه کوئن هر گونه رفتاری که با انتظارات جامعه یا یکی از گروههای مشخص درون جامعه منطبق و سازگار نباشد، انحراف نامیده می شود. انحراف دوری جستن و فرار از هنجارهاست و هنگامی رخ می دهد که فرد یا گروه معیارهای جامعه را رعایت نمی کنند. رفتار انحرافی و عمل منحرف با توجه به هنجارهای موجود در فرهنگ تعریف می شود، رفتار و عملی که ممکن است در یک موقعیت

خاص قابل قبول باشد و همان عمل و رفتار ممکن است در جای دیگر غیر قابل قبول و ناروا باشد (کوئن، ۱۳۸۴: ۲۱۵).

از دیدگاه هوارد بیکر مسائل اجتماعی ناشی از تعاریف ذهنی از شرایط عینی است. مسائل اجتماعی جامعه، پدیده های اجتماعی اعم از شرایط ساختاری و یا الگوهای کنشی هستند که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه یعنی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد توجه مردم و گروه های اجتماعی قرار می گیرند و مانع از تحقق اهداف می شوند و در زمره تهدیدکننده های ارزش ها می شوند. مسائل اجتماعی به عنوان پدیده هایی نامطلوب، اذهان نخبگان و افکار عمومی مردم را به خود مشغول می دارند به طوری که نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آنها پدید می آید که مقامات رسمی کشور را به چاره جویی و اقدام عملی در جهت اصلاح و یا رفع و پیشگیری از آنها وامی دارد (عبداللهی، ۱۳۸۴: ۱۲).

آسیب یا کجروی اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی جامعه محل فعالیت کنشگر قرار نمی گیرد و لذا با منع قانونی و قبح اخلاقی و اجتماعی مواجه می گردد. به همین دلیل، کجروان سعی دارند کجروی های خود را از دید ناظران قانون، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان نمایند. زیرا در غیر این صورت با تعقیب قانونی، تکفیر اخلاقی و طرد اجتماعی روبه رو می شوند. آسیب های اجتماعی امری تصادفی نیستند بلکه امری قانونمند بوده و این قانونمندی ریشه در تاریخ، نظام اجتماعی جامعه، نظام شخصیتی افراد و دارد. بنابراین، آسیب های اجتماعی پدیده هایی واقعی، متغیر، قانونمند و قابل کنترل و پیشگیری هستند. کنترل پذیری آسیب های اجتماعی با شناخت علمی و تولید دانش های لازم انجام می گیرد. میزان قابل توجهی از زندگی اجتماعی، رفتار و شخصیت جوانان در تعامل با مدرسه و تجربیات مدرسه ای شکل می گیرد. در این میان، زمینه فعالیت های اجتماعی که در مدرسه فراهم می شود هم می تواند مطابق انتظارات و قواعد و هنجارهای رسمی جامعه باشد و هم می تواند موجب رفتارهای انحرافی شود. فقدان فرصت های آموزشی مناسب، ناعادلانه بودن رفتار کارکنان مدارس با دانش آموزان، شکست تحصیلی و برنامه های آموزشی ایستا موجب کاهش تعلق خاطر، دلبستگی و تعهد دانش آموزان نسبت به مدرسه شده و زمینه رفتار بزهکارانه را در جوانان فراهم می سازد.

شواهد و نتایج تحقیقات انجام شده نشان می‌دهند که انواع آسیب‌های اجتماعی در مدارس شیوع پیدا کرده است، به گونه‌ای که وضعیت بعضی از آنها نگران‌کننده است. در چنین وضعیتی مدرسه و جامعه قادر نخواهند بود به کارکردهای اصلی خود پردازند و در نهایت جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی می‌شود که پیامد آن نیز رواج آسیب‌های اجتماعی و کجرفتاری و تخطی از ارزش‌ها و هنجارها خواهد بود. نتایج تحقیقات داخلی و خارجی در خصوص آسیب‌های اجتماعی نشان می‌دهد که ماهیت، نوع، شدت و روش ارتکاب بزهکاری در جامعه کنونی پیچیده شده و روند افزایشی داشته است و عوامل خانوادگی نظیر فرایند ناقص جامعه‌پذیری در خانواده، کنترل ضعیف خانوادگی، روابط سرد عاطفی بین اعضای خانواده، گسیختگی خانوادگی، شکاف نسل بین فرزندان و والدین و پایگاه پایین اقتصادی و اجتماعی خانواده کاهش تعلق خاطر به مدرسه، عدم اعتقاد به هنجارهای رسمی مدرسه، عدم مشارکت در فعالیت‌های مدرسه و گروه همسالان، عدم کارایی مدرسه، رسانه‌های جمعی و خانواده در جامعه پذیر کردن و کنترل دانش‌آموزان، روحیه کنجکاوی جوانان، ابهام هویتی زمینه‌ساز گرایش آنان به رفتارهای انحرافی است. بررسی وضعیت تحقیقات انجام شده این حوزه نشان می‌دهد که تحقیقات انجام شده در خصوص آسیب‌های اجتماعی برای شناخت انواع، علل ایجاد و چگونگی پیشگیری از شیوع آنها کافی به نظر نمی‌رسند، بنابراین لازم است که تحقیقات متعددی در راستای آسیب‌های اجتماعی انجام گیرد تا شناخت کامل از نوع، علل و راهکارهای پیشگیری از آن فراهم شود. در تحقیق حاضر کوشش بر این است که میزان انحرافات اخلاقی را تعیین کرده و عوامل موثر بر آن را شناسایی نماید و سپس بر اساس یافته‌های تحقیق پیشنهادها و راهکارهایی برای مقابله و پیشگیری از آنها ارائه نماید.

مبانی نظری:

دورکیم اظهار می‌کند که مردم در نتیجه شرایط اجتماعی خود دست به رفتارهای ناهنجار می‌زنند و نه به خاطر شرایط فردی. و یکی از شرایط اجتماعی را که منجر به انجام این گونه رفتارها می‌گردد بی‌هنجاری می‌نامد. آنومی به وضعیت آشفته‌ای در جامعه گفته می‌شود که هنجارهای اجتماعی از بین رفته و یا در تضاد با همدیگر قرار گرفته باشند. در چنین شرایطی همبستگی و وابستگی بین فرد و جامعه از بین می‌رود و ارزشها و هنجارهای سنتی قدرت نفوذ خود را در جهت حمایت از

افراد جامعه از دست می دهند (قنادان و همکاران، ۱۳۷۶؛ ۲۰۵). در مجموع دورکیم معتقد است که سست شدن پیوند اجتماعی در جامعه باعث ایجاد رفتارهای انحراف می گردد. در همین راستا، مرتن سعی کرد بین آنومی و انحرافات اجتماعی رابطه برقرار کند. به نظر او، افراد در طی فرایند اجتماعی شدن و به عنوان نتیجه آن می آموزند که چگونه اهداف فرهنگی مهم را بشناسند و در همان حال وسایلی را که از نظر فرهنگی پذیرفته شده و مورد تأیید است برای رسیدن به آن اهداف برگزینند. هنگامی که امکان دستیابی به آن اهداف وجود نداشته باشد، افراد به دنبال جانشین می گردند. رفتار جانشین ممکن است نتیجه اش رفتار انحرافی باشد (توسلی، ۱۳۷۴؛ ۲۲۲-۲۲۳).

در نظریه کنترل فرض اصلی بر این است که افراد به طور طبیعی تمایل به کج رفتاری دارند، و اگر تحت کنترل قرار نگیرند چنین می کنند و کج رفتاری اشخاص، بیش از آنکه ناشی از نیروهای محرک به سوی نابهنجاری باشد محصول عدم ممانعت است. این درست نقطه مقابل فرض نظریه های فشار و یادگیری است که کج رفتاری را ناشی از شرایط اجتماعی خاص (شکاف اهداف و ابزار مقبول اجتماعی و تجربه یادگیری از دیگران) می دانند. نظریه های یادگیری و فشار مستقیماً می پرسند، علت کج رفتاری چیست اما نظریه کنترل مستقیماً می پرسد، علت همنوایی چیست، زیرا آنچه موجب کج رفتاری است فقدان همان چیزی است که باعث همنوایی می شود، پاسخی که به این سؤال مهم داده شده این است که آنچه موجب همنوایی است، اعمال کنترل اجتماعی بر افراد است که جلو کج رفتاری را می گیرد. بنابراین فقدان یا ضعف کنترل اجتماعی علت اصلی کج رفتاری است (صدیق سروسناتی، ۱۳۸۵؛ ۴۶-۴۷). هیرشی، مهمترین صاحب نظر این رویکرد علت همنوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آن ها دانسته است. وی مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه مهمترین علت همنوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن موجب اصلی کج رفتاری است. هیرشی اجزاء اصلی پیوند شخص با جامعه را که مانع کج رفتاری می شود به شرح زیر توضیح داده است:

(۱) داشتن «تعلق خاطر» نسبت به افراد و نهادها در جامعه یکی از شیوه هایی است که فرد خود را از طریق آن به جامعه پیوند می زند. ضعف چنین تمایلات و پیوندهایی موجب می شود که فرد خود را در ارتکاب کج رفتاری آزاد بداند.

(۲) افراد در هر جامعه به منظور دستیابی به اهداف و کسب منزلت و حسن شهرت، وقت و انرژی خود را صرف می‌کنند و به فعالیت‌های متداول زندگی روزمره «متعهدند» و از کج‌رفتاری می‌پرهیزند تا موقعیت‌هایی را که بدست آورده‌اند حفظ کنند.

(۳) افراد چنان خود را مشغول همنوایی می‌کنند که وقتی برای ارتکاب کج‌رفتاری یا حتی فکر کردن به آن برایشان باقی نمی‌ماند. «درگیری» در فعالیت‌های مربوط به زندگی روزمره، همه وقت و انرژی خود را بخود اختصاص می‌دهد و خود موجب تقویت تعهد نیز می‌شود.

(۴) «اعتقاد» افراد به اعتبار اخلاقی نظام هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین و مقررات نیز موجب احساس وظیفه اخلاقی نسبت به دیگران می‌شود و ضعف چنین اعتقادی راه را برای کج‌رفتاری هموار می‌کند.

بنابراین و بر طبق این رویکرد، بین «تعلق خاطر» افراد به جامعه، «تعهد» آنان به امور متداول و زندگی روزمره همنوای با هنجارهای اجتماعی، «درگیری» آنها در فعالیت‌های مختلف زندگی و «اعتقاد» شان به نظام هنجاری جامعه از یک سو و همنوایی آنان با هنجارهای اجتماعی از سوی دیگر رابطه مستقیم و با احتمال کج‌رفتاری آنان رابطه معکوس وجود دارد.

هیرشی در آثار بعدی خود، موضوع ارتباط بین کج‌رفتاری و «خود کنترل» را مطرح ساخته است. هیرشی و گات فردسان مدعی‌اند که جرم، موجب ارضاء خاطر سریع و آسان فرد کج‌رفتار می‌شود و کسی مرتکب جرم می‌شود که به دنبال ارضاء خاطر سریع بوده و اهداف کوتاه مدتی در زندگی داشته باشد. اینگونه افراد به خلاف همنوایان از خود کنترل ضعیفی برخوردارند و نه تنها احتمال کج‌رفتاریشان بیشتر است بلکه به ارتکاب فعالیت‌های جانبی آن مانند تصادف، کشیدن سیگار و مصرف الکل هم تمایل دارند. منشاء خود کنترل ضعیف را هم باید در خانواده و دوران کودکی و جامعه‌پذیری ناکارآمد یافت، خواه پیوند اجتماعی قوی یا ضعیف باشد (گاتفردسون و همکاران، ۱۹۹۰: ۹۱).

جان بریتویت هم مثل هیرشی علت وجود همنوایی در جامعه را کنترل رفتار افراد توسط عوامل مختلف می‌داند، اما هیرشی شیوه این کنترل را «پیوند» فرد با جامعه می‌داند در حالیکه بریتویت از کنترل افراد توسط جامعه از طریق شرم‌نامه‌سازی متخلف بحث می‌کند. به نظر وی شرم‌نامه‌سازی نوعی ابزار علم

تأیید اجتماعی نسبت به رفتاری خاص برای تحریک ندامت در شخص خلاف کار است. بریتویت از دو نوع شرمنده‌سازی صحبت می‌کند: (۱) شرمنده‌سازی جداکننده که طی آن کج‌رفتار، مجازات، بدنام، طرد و در نتیجه از جامعه هم‌نویان تبعید می‌شود و (۲) شرمنده‌سازی پیوند دهنده که ضمن اعلام درک احساس کج‌رفتار و نادیده گرفتن تخلف وی و حتی ابراز احترام به او، نوعی احساس تقصیر در او ایجاد و (فرض شده که) نهایتاً او را از ادامه کج‌رفتاری بازداشته و از بازگشت او به جمع هم‌نویان استقبال می‌کند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵، ۴۹).

جرم‌شناسان معتقدند که نابرابری در آمد در جوامع مختلف هم تولید فشار می‌کند و هم باعث افزایش میزان جرم در آنها می‌شود. به خاطر این که شکاف عمده بین فقیر و غنی کینه توزی و عدم اعتماد را به وجود می‌آورد و چنین وضعیتی سرانجام منجر به خشونت و جرم می‌شود. جوامعی که در آنها نابرابری در آمد افزایش یافته است یک نوع حقارت و سرافکنندگی در افراد کم درآمد ایجاد می‌شود که این عامل باعث ایجاد انگیزه های مجرمانه در برخی از این افراد می‌گردد. روانشناسان یاد آوری کرده اند که تحت این شرایط مردان جوان نسبت به وضعیت خود نگران خواهند شد، در نتیجه نسبت به افرادی که از وضعیت مطلوبی برخوردار هستند حسادت خواهند ورزید. چنانچه آنها نسبت به استفاده از شیوه های پرخاشگرانه و مخاطره آمیز در رقابت های اجتماعی ناتوان باشند، شانس کمتری برای موفقیت های آینده خواهند داشت. به همین خاطر اکثر این افراد مرتکب جرم و خشونت می‌شوند. این فرایند تحت عنوان نظریه محرمیت نسبی بیان گردیده است (سیگل، ۲۰۰۱: ۲۰۴).

نظریه پردازان انگ زنی نا بهنجاری را نه به عنوان مجموعه از ویژگیهای افراد یا گروهها، بلکه به عنوان یک فرایند کنش متقابل میان کجروان و ناکجروان تبیین می‌کنند به نظر آنها برای درک، ماهیت کجروی باید ببینیم چرا به بعضی افراد برجسب کجرووری زده می‌شود (زگوریدز، ۲۰۰۰: ۷۲)؟ کسانی که نماینده نیروهای نظم و قانون هستند یا می‌توانند تعاریف اخلاق متعارف را به دیگران تحمیل کنند منابع اصلی انگ زنی را فراهم می‌سازند. بدین سان انگ هایی که به ایجاد مقولات کجروی به کار گرفته می‌شود ساخت قدرت جامعه را بیان می‌کند. این نظریه مهم است، زیرا مبتنی بر این فرض است که هیچ عملی ذاتاً تبهکارانه نیست، تعاریف قدرتمندان از تبهکاری از طریق تنظیم

قوانین و تبیین آنها توسط پلیس، دادگاه و نهادهای اصلاح کجروان محقق می شوند. اینها مطرح می کنند که این انگ زنی ها می توانند منفی و یا مثبت باشند (گیدنز، ۱۶۲، ۱۳۷۹).

نظریه پیوند افتراقی ادوین سادرلند، مشهورترین نظریه از مجموع نظریه های جامعه پذیری یا یادگیری در مباحث کج رفتاری اجتماعی است. نکته اصلی نظریه سادرلند این است که افراد به این علت کج رفتار می شوند که تعداد تماس های انحرافی آنان بیش از تماس های غیرانحرافی شان است. این تفاوت تعامل افراد با کسانی که ایده های کج رفتارانه دارند نسبت به افرادی که از ایده های هموایانه برخوردارند (یعنی تماس بیشتر آنان با کج رفتاران یا ایده های کج رفتاری) علت اصلی کج رفتاری آنهاست. خلاصه ای از رویکرد سادرلند به مسأله کج رفتاری را به دلیل اهمیت فراوان آن نقل می کنیم:

- ۱- کج رفتاری یاد گرفتنی است نه ارثی است و نه محصول بهره هوشی پایین یا آسیب مغزی و امثال آن.
- ۲- کج رفتاری در تعامل با دیگران آموخته می شود.
- ۳- بخش اصلی یادگیری کج رفتاری در حلقه درون گروه روی می دهد و رسانه های جمعی و مطبوعات نقش دوم را ایفا می کنند.
- ۴- یادگیری کج رفتاری شامل آموختن فنون خلاف کاری و سمت و سوی خاص انگیزه ها، کشش ها و گرایش ها می شود.
- ۵- سمت و سوی خاص انگیزه ها و کشش ها از تعریف های مخالف و موافق هنجارها یاد گرفته می شود.
- ۶- هر فرد به دلیل بیشتر بودن تعریف های موافق تخلف، به نسبت تعریف های موافق با همنوایی با هنجارها کج رفتار می شود. این نکته، قضیه کلیدی نظریه سادرلند است.
- ۷- پیوندهای افتراقی ممکن است از نظر فراوانی، دوام، رجحان و شدت، متفاوت باشند.
- ۸- فرایند یادگیری کج رفتاری از طریق تعامل با کج رفتاران و هموایان، ساز و کارهای مشابهی با هر نوع یادگیری دیگر دارد.
- ۹- کج رفتاری را که خود تجلی نیازها و ارزش های کلی است نمی توان با همین نیازها و ارزش های کلی تبیین کرد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵: ۴۴).

دانیل گلنر مدعی است که نظریه سادرلند رویکردی ماشین انگارانه به کج رفتاران دارد و چنین می پندارد که تعامل با کج رفتاران شخص را به طور مکانیکی وادار به درگیر شدن در امور کج رفتارانه

می کند. با این کار قابلیت های تصمیم سازی و پذیرش نقش، فرد نادیده گرفته شده است. گلپز در تلاش برای اصلاح این تصویر ماشین انگارانه از کج رفتاران، اظهار داشته است که تعامل با کج رفتاران (واقعی یا مجازی) به خودی خود ضرری ندارد مگر اینکه به حدی برسد که فرد خود را با کج رفتاران یکی بداند و از آن ها هویت بگیرد. بنابراین به نظر می رسد که گلپز از نشست و برخاست افراد با کج رفتاران در جهان واقع یا در کتاب ها و فیلم ها، در صورتی که کسی از آن ها هویت نپذیرد و با آن ها به عنوان الگو و قهرمان خود برخورد نکند، هراسی ندارد، چون پیوند افتراقی را کج رفتار ساز نمی داند و علت اصلی کج رفتاری را دخالت متغیر سوم یعنی هویت پذیری از کج رفتاران یا هویت پذیری افتراقی می داند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵: ۴۴).

کلوارد و اهلاين رابطه میان ارزشهای فرهنگی از یک سو و فرصت های مشروع و نامشروع از سوی دیگر تعیین کننده انواع و فراوانی بزهکاری است. آنان بر این باورند که بزهکاری از نظر اجتماعی به صورت خرده فرهنگ بزهکار نمایان می شود و به همان گونه که در خرده فرهنگ بهنجار فرصت های مشروع وجود دارد در خرده فرهنگ بزهکار هم فرصت های نامشروع برای نیل به هدفهای فرهنگی وجود دارد. به اعتقاد کلوارد و اهلاين محرومیت طبقات پایین جامعه در استفاده از فرصت های شغلی جوانان را مستعد رفتار انحرافی می نماید (احمدی، ۷۷، ۱۳۸۷-۷۶).

پیشینه تحقیق:

طباطبایی و علیین (۱۳۸۵) در شهر تهران تحقیقی با هدف شناسایی عوامل آسیب زای عمده در تربیت دینی دانش آموزان مقطع راهنمایی شهر تهران از دیدگاه مدیران مدارس انجام داده اند. یافته های تحقیق نشان می دهد محیط مدرسه و عوامل مربوط به آموزشگاه می تواند از عوامل موثر آسیب زا در تربیت دینی دانش آموزان راهنمایی شهر تهران باشد. همچنین، خانواده و اجتماع، از عوامل موثر در تربیت دینی دانش آموزان دوره راهنمایی هستند که نگرش منفی آنان نسبت به تربیت دینی از عوامل آسیب زا در این حیطه است.

مطالعه ای تحت عنوان «عوامل موثر بر ناهنجاری رفتاری دانش آموزان استان لرستان» در سال ۱۳۸۰، در سه شهر خرم آباد، بروجرد و نورآباد توسط سخاوت انجام شده است. یافته ها حاکی از آن است که ناهنجاری دانش آموزان، در مدرسه و بیرون از مدرسه، ریشه های مشترکی دارند و نباید آن

ها را دو پدیده جدا از هم دانست. با توجه به معنی دار بودن رابطه نابهنجاری های رفتاری با متغیرهای مذکور، یافته ها حاکی از آن است که داشتن روابط مطلوب در محیط خانواده و مدرسه، پنداشت از خود دانش آموز، پنداشت از درآمد خانواده، شغل پدر، پنداشت از نظم مدرسه، توفیق در کار مدرسه و جنسیت به عنوان عوامل تاثیرگذار در نابهنجاری رفتاری دانش آموزان در مدرسه و برخی متغیرها مانند توفیق تحصیلی، جنسیت و پیوند با مادر در نابهنجاری های رفتاری در بیرون مدرسه اهمیت بیشتری دارند.

تحقیقی با عنوان انحرافات اجتماعی در آئینه پژوهش ها، توسط گلچین (۱۳۸۵) با هدف یافتن علل رفتار انحرافی و علل یا عوامل کجروی اجتماعی جوانان و نوجوانان انجام داده است. نتایج نشان می دهد کجروی و بزهکاری نوجوانان تحت تأثیر یا در رابطه با عواملی همچون جنس، سن، پایگاه اجتماع خانواده، درجه مذهبی بودن والدین، میزان تماس افراد با دوستان کجرو، عضویت در گروه های بزهکاری، وضعیت تحصیلی، میزان تعلق به مدرسه، میزان شرکت والدین در جلسات انجمن اولیاء و مربیان است. علاوه بر آن، متغیرهایی که بیشترین تکرار و تأیید را در ارتباط با ایجاد، زمینه سازی و تقویت رفتار انحرافی و بزهکاری نوجوانان داشته اند به ترتیب عبارتند از: پایگاه اقتصادی اجتماعی، میزان ارتباط نوجوان با گروه دوستان ناهمنوا و تمایل و عضویت در آن گروه ها، نوع و میزان نظارت و کنترل والدین بر رفتار نوجوانان و میزان گسیختگی و نابسامانی دورنابوش^۱ و همکارانش تحقیقی تحت عنوان «روابط خانواده و مدرسه و پیوستگی آن با رفتارهای انحرافی جوانان در اجتماعات و گروه های مختلف» انجام داده اند و به این نتیجه رسیده اند که خانواده و مدرسه در کاهش انحراف جوانان از قبیل سیگار کشیدن، استفاده از الکل، استفاده از ماری جوانا، بزهکاری و دیگر رفتارهای انحرافی نقش موثری دارند (دورنابوش، ۲۰۰۱).

نتایج تحقیق وینستوک^۲ با عنوان «ارتباط بین استراتژیها، اهداف و مهارتها و تاثیر آنها بر رفتارهای انحرافی در میان جوانان نشان می دهد که بین استراتژیها، اهداف و مهارتهای بازدارنده از انحراف و

1. Dornbusch

2. Winstok

رفتارهای انحرافی رابطه منفی وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه استراتژیها، اهداف و مهارتهای بازدارنده از انحراف فعالیت شوند احتمال بروز رفتار انحرافی کمتر می گردد (وینستوک، ۲۰۰۹).

پینه^۱ در مطالعه خود با عنوان «تحلیل چند سطحی روابط میان نظام آموزشی مشترک، تعهد دانش آموزان و بزهکاری» در بین ۱۳۵۹۷ دانش آموز از ۲۵۳ مدرسه به این نتیجه رسید که (۱) بین بزهکاری و تعلق به مدرسه رابطه منفی وجود دارد (۲) در داخل مدارس میزان بزهکاری برحسب سن، جنس و نژاد متفاوت است (۳) نظام آموزشی مشترک و بزهکاری همبستگی معنی داری با همدیگر دارند (پینه، ۲۰۰۸).

چارچ^۲، هارتن^۳ و تیلور^۴ در تحقیق خود با عنوان «بررسی نظریه کنترل اجتماعی و معاشرتهای افتراقی: نظام خانوادگی و بزهکاری» با استفاده از مدل مسیر به این نتایج رسیدند که بین بزهکاری و تصور از خود، انسجام خانوادگی، تنشهای خانوادگی و اهمیت روابط غیر خانوادگی همبستگی معنی داری وجود دارد. این محققان ادعا می کنند که تصویر مثبت از خود باعث کاهش میزان بزهکاری می گردد (چارچ، هارتن و تیلور، ۲۰۰۹).

تیگارت^۵ در مطالعات تجربی خود روی دانش آموزان به این نتیجه رسید که در مدارس که کنترل، نظارت و انضباط ضعیف است الگوهای بزهکارانه از دانش آموزان سنین بالا به دانش آموزان سنین پایین منتقل می شود. به علاوه، احساس فشاری که در جوانان طبقات پایین جامعه در فرایندهای آموزشی و مدرسه ای ایجاد می شود، گرایش به بزهکاری را در آنان افزایش می دهد. از طرف دیگر، بر اساس یافته های این تحقیق بزهکاری دانش آموزان می تواند حاصل سرپیچی از غیر دموکراتیک بودن مدرسه و انضباط و نظارت های رسمی شدید مدرسه باشد (تیگارت، ۱۹۹۲).

آنچه از نظریه ها و تحقیقات استنباط می شود این است که تخطی از هنجارها و ارزشها دلایل متعددی دارد به گونه ای که دلایل اجتماعی، اقتصادی و آموزشی درافزایش و کاهش رفتارهای انحرافی موثر هستند، بر همین اساس در تحقیق حاضر برای شناسایی دلایل انجام رفتارهای انحرافی فرضیه های زیر تدوین شده است.

1. Payne
2. Church
3. Wharton
4. Taylor
5. Tygart

فرضیه های تحقیق:

- بین میزان انحرافات اخلاقی و سرمایه اجتماعی همبستگی معنی داری وجود دارد
- بین میزان انحرافات اخلاقی و وضعیت روانی همبستگی معنی داری وجود دارد
- بین میزان انحرافات اخلاقی و میزان دینداری همبستگی معنی داری وجود دارد
- بین میزان انحرافات اخلاقی و مهارتهای ارتباطی همبستگی معنی داری وجود دارد

روش تحقیق:

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش بر اساس هدف تحقیق، از نوع کاربردی است. منظور اینکه از این حیث، هدف، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه مورد خاص (انحرافات اخلاقی) می باشد. بر اساس نحوه گردآوری داده ها، روش تحقیق، پیمایشی است.

جامعه آماری پژوهش حاضر دانش آموزان دوره متوسطه استان آذربایجان شرقی است که تعداد کل آنها ۲۰۴۵۶۲ نفر می باشد. در تحقیق حاضر حجم نمونه براساس فرمول نمونه گیری کوکران محاسبه و تعداد نمونه ۶۶۴ نفر برآورد شده است.

$$T=2/58 \text{ (سطح اطمینان ۹۹ درصد)}$$

$$P=0/5 \text{ (احتمال وجود صفت در جامعه آماری)}$$

$$q=0/5 \text{ (احتمال عدم وجود صفت در جامعه آماری)}$$

$$d=0/05 \text{ (حداکثر مقدار خطای قابل قبول در این تحقیق)}$$

$$N=204562$$

$$n = \frac{\frac{T^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{204562} \left(\frac{T^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{2.58^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2}}{1 + \frac{1}{204562} \left(\frac{2.58^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2} - 1 \right)} \cong 664$$

برای گردآوری داده های مورد نیاز در این تحقیق از نمونه گیری طبقه ای متناسب توام با نمونه گیری تصادفی ساده و سیستماتیک استفاده شده است. لازم به ذکر است که تعداد نمونه اختصاص داده شده به هر یک از شهرستانها، متناسب با تعداد آنها انتخاب شده است.

گردآوری داده های تحقیق حاضر نیز از طریق پرسشنامه انجام شده است. اغلب گویه های پرسشنامه به شکل طیف پنج و شش درجه ای به صورت بسته پاسخ طراحی شده بود. پس از گردآوری داده ها به وسیله پرسش نامه و پانچ داده ها به نرم افزار SPSS ویرایشهای و تبدیلات لازم بر روی داد ها انجام شده و نهایتاً، داده ها برای مرحله تجزیه و تحلیل آماده گردید. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده طبق سطوح اندازه گیری متغیرهای تحقیق از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و از آمار استنباطی ضریب هم بستگی پیرسون موجود در نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۱ استفاده شده است.

یافته های تحقیق

یافته های توصیفی تحقیق: نتایج به دست آمده از تحلیل توصیفی متغیرهای زمینه ای (جدول ۱) نشان دهنده این است که اکثریت دانش آموزان مطالعه شده از لحاظ وضعیت جنسی، رشته و مقطع تحصیلی به ترتیب، دختر، ریاضی و دوم بوده و میانگین سنی دانش آموزان ۱۶/۴ می باشد. بقیه اطلاعات در جدول زیر منعکس شده است.

جدول شماره (۱): معرفی خصوصیات جامعه آماری تحقیق

متغیرها	توزیع فراوانی و درصد
جنس	دختر ۳۸۲ نفر (۴۵/۴ درصد) و پسر ۳۱۸ نفر (۵۴/۶ درصد)
مقاطع تحصیلی	اول ۱۸۴ نفر (۲۶/۳) دوم ۱۹۳ نفر (۲۷/۶ درصد) سوم ۱۸۷ نفر (۲۶/۷ درصد) و پیش دانشگاهی ۱۳۶ نفر (۱۹/۴ درصد)
سن	حداقل سن ۱۴ و حداکثر سن ۱۹ - بیشترین تکرار ۱۷ ساله و میانگین سنی ۱۶/۴
رشته تحصیلی	عمومی ۱۸۴ نفر (۲۶/۳ درصد) ریاضی ۱۸۶ نفر (۲۶/۶ درصد) علوم تجربی ۱۷۰ نفر (۲۴/۳ درصد) علوم انسانی ۱۶۰ نفر (۲۲/۹ درصد)

نتایج حاصل از تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق نشان می دهد. (۱) میزان انحرافات اخلاقی در میان دانش آموزان متوسطه استان آذربایجان شرقی بالاتر از حد متوسط می باشد. زیرا میانگین بدست آمده ۱۶/۲ از ۳۰ و ۵۴ از ۱۰۰ درصد بوده است. بنابراین می توان به لحاظ آماری توصیفی نتیجه گرفت که دانش آموزان مورد مطالعه بیشتر از حد مورد انتظار انحرافات اخلاقی دارند. (۲) میزان سرمایه اجتماعی دانش آموزان نیز در سطح بالاتر از متوسط قرار دارد. به عبارت دیگر میانگین محاسبه شده تقریباً ۵۴ از

۹۰ و ۶۰ درصد از ۱۰۰ درصد بوده است. (۳) میانگین بدست آمده از تحلیل توصیفی وضعیت روانی ۶۱/۱۸ بوده است. این مقدار بزرگتر از میانگین طیفی بوده و نشان دهنده وضعیت مطلوب مولفه های وضعیت روانی در بین دانش آموزان می باشد. (۴) میانگین بدست آمده از تحلیل توصیفی برای متغیر دینداری دانش آموزان ۷۴ می باشد. این مقدار نشان از دینداری متوسطه به بالای دانش آموزان می دهد. (۵) میانگین بدست آمده برای مهارت های ارتباطی دانش آموزان ۷۱/۵۵ می باشد که از مقدار میانگین طیفی خود بیشتر می باشد و می توان گفت مهارت های ارتباطی پاسخگویان در پژوهش حاضر در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارد.

جدول شماره (۲): آماره های توصیفی متغیرهای تحقیق

آماره ها	انحرافات اخلاقی	سرمایه اجتماعی	عوامل روانی	دینداری	مهارت های ارتباطی
تعداد مشاهدات	۷۰۰	۷۰۰	۶۹۷	۶۶۱	۶۹۵
دامنه تغییرات	۲۵	۶۱	۴۳	۷۴	۶۲
حداقل	۵	۲۰	۳۸	۲۷	۳۸
حداکثر	۳۰	۸۱	۸۱	۱۰۱	۱۰۰
میانگین	۱۶/۲۰	۵۳/۹۷	۶۱/۱۸	۷۸/۱۵	۷۱/۵۵
انحراف معیار	۸/۵۶	۱۱/۸۹	۷/۵۳	۹/۴۴	۷/۶۸
واریانس	۷۳/۳۲	۱۴۱/۵۰	۵۶/۷۶	۸۹/۰۴	۵۹/۱۲
چولگی	۰/۹۶	۰/۲۲	۰/۱۰	-۰/۶۵۶	-۰/۱۳
کشیدگی	۵/۹۲	-۰/۷۸	-۱/۰	۱/۵	۱/۱۲

یافته های استنباطی تحقیق: نتایج تحلیل همبستگی بین سرمایه اجتماعی و انحرافات اخلاقی نشان می دهد که بین سرمایه اجتماعی و انحرافات اخلاقی همبستگی معنی دار و منفی وجود دارد. بهبود وضعیت سرمایه اجتماعی دانش آموزان در سه مولفه اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و شبکه اجتماعی منجر به پایین آمدن میزان انحرافات اخلاقی دانش آموزان می شود. همچنین، نتایج حاصل از تحلیل همبستگی بین وضعیت روانی متعلق به دانش آموزان و انحرافات اخلاقی نشان می دهد که هر چقدر پیوند عاطفی بین والدین و دانش آموزان و معلمان با دانش آموزان مستحکم باشد و تصور دانش آموزان از خود مثبت و مطلوب باشد و اعتماد به نفس آنها نیز در سطح مناسبی قرار بگیرد از میزان انحرافات اخلاقی شان کاسته

می شود. همین وضعیت در خصوص میزان دینداری دانش آموزان نیز حاکم است. به عبارت دیگر، تحلیل همبستگی انحرافات اخلاقی و دینداری نشان داد هر چه دانش آموزان دیندارتر میزان انحرافات اخلاقی شان در مدارس پایین تر و هر چه دانش آموز از سطح دینداری پایینی برخوردار باشد، به همان اندازه، میزان انحرافات اخلاقی شان نیز افزایش خواهد داشت. بالاخره، نتایج تحلیل همبستگی مهارتهای ارتباطی و انحرافات اخلاقی نشان می دهد که بین مهارت ارتباطی و انحرافات اخلاقی همبستگی معنی دار و منفی وجود دارد. به عبارت دیگر، کسانی که دارای مهارتهای ارتباطی بالای هستند کمتر دچار انحرافات اخلاقی می شوند.

جدول شماره (۲): نتایج آزمون فرضیه های تحقیق

عوامل	انحرافات اخلاقی
سرمایه اجتماعی	ضریب همبستگی -۰/۲۷۵
	سطح معنی داری 000۰/
	تعداد مشاهدات ۶۶۴
عوامل روانی	ضریب همبستگی -۰/۱۰
	سطح معنی داری ۰/۰۲۰
	تعداد مشاهدات ۶۶۱
میزان دینداری	ضریب همبستگی -۰/۱۸۲
	سطح معنی داری 000۰/
	تعداد مشاهدات ۶۶۱
مهارت های ارتباطی	ضریب همبستگی -۰/۰۷۳
	سطح معنی داری ۰/۰۴۳
	تعداد مشاهدات ۶۵۹

نتیجه گیری:

طبق نتایج تحلیل توصیفی میزان انحرافات اخلاقی دانش آموزان در سطح متوسط به بالا بوده و عوامل مختلفی نظیر سرمایه اجتماعی، وضعیت روانی، میزان دینداری و برخورداری از مهارت های ارتباطی

بر کاهش و افزایش آن موثر است. یکی از یافته‌های تحقیق وجود ارتباط معنی‌دار بین سرمایه اجتماعی و انحرافات اخلاقی است. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی یکی از عوامل تعیین‌کننده این نوع از آسیب‌ها به شمار می‌رود. بسیاری از نظریه پردازان ارتباط بین سرمایه اجتماعی و کجرفتاری را تأیید کرده‌اند. برای مثال دورکیم معتقد است که پیوند و انسجام اجتماعی بین فرد و جامعه هر چه بالاتر برود و احساس تعلق نیز بالا رفته و میزان رفتارهای انحرافی کاهش می‌یابد. همچنین نظریه پردازان رویکرد پیوند اجتماعی معتقدند که پیوند بین فرد و جامعه مهمترین علت و عامل اصلی رفتارهای فرد است و ضعف پیوند یا نبود پیوند آن موجب اصلی کج رفتاری است. پس از نظر این رویکرد، تعلق خاطر به جامعه، تعهد به هنجارهای جامعه را تقویت نموده و مشارکت و درگیری آنها را در فعالیت‌های مختلف زندگی سبب می‌شود. در مقابل این رویکرد نظریه شرمنده سازی برای کنترل رفتارهای اجتماعی افراد از ابزار عدم تأیید اجتماعی استفاده می‌کنند. از نظر این رویکرد عدم تأیید و پذیرش اجتماعی افراد منحرف ندامت در شخص را در پی داشته و میزان رفتارهای انحرافی را کاهش می‌دهد. نظریه پردازان کنش متقابل نیز بر پیوند، تعلق و تعهد فرد با جامعه انگشت گذاشته‌اند و ادعا می‌کنند که این سه مولفه باعث افزایش سطح همنوایی با هنجارهای جامعه می‌گردد. همچنین تحقیقات غرابی، لدرمن، رازنفیلد و دیگران سرمایه اجتماعی را به عنوان یکی از عوامل کاهش یا افزایش آسیب‌های اجتماعی معرفی کرده‌اند. یافته تحقیق با نظریه پردازان و نتایج تحقیقات قبلی هماهنگ بوده و نتایج آنها را تأیید می‌نماید.

روانشناسان معتقدند که اشخاصی که از تعادل روانی برخوردارند و شخصیت متعادل داشته و رفتارهای سالمی خواهد داشت. این مکتب علت اصلی رفتارهای انحرافی را اختلالات شخصیتی و عوامل روانی مطرح می‌نماید. بر حسب نظریه پردازان این مکتب افرادی که تعادل روانی ندارند و از لحاظ عاطفی ارضاء نشده‌اند و سطح اعتماد به نفس آنها ضعیف است بیشتر در معرض رفتارهای انحرافی قرار دارند. نتایج بدست آمده از تحقیق نیز همین نظر را تأیید می‌نماید. به عبارت دیگر، دانش آموزانی که مولفه‌های عوامل روانی آنها در سطح مناسبی قرار دارد انحراف شان کمتر از دانش آموزانی است که وضعیت آنها از بعد روانی مناسب نیست.

عامل دیگری که انحرافات اخلاقی را تحت تأثیر قرار می‌دهد دینداری است. طبق نتایج بدست آمده از تحقیق می‌توان گفت دانش آموزانی که از دینداری بالاتری برخوردارند به طرف رفتارهای انحرافی کمتر گرایش پیدا می‌کنند. در همین راستا تحقیقات قبلی نیز به این نکته اذعان نموده‌اند که وضعیت دینداری اشخاص در کاهش و یا افزایش رفتارهای انحرافی آنها موثر است. برای مثال گلچین در تحقیق خود به این نتیجه می‌رسد که درجه مذهبی بودن تعیین‌کننده میزان جرایم و کج رفتاری در بین جوانان و نوجوانان است.

مولفه دیگری که در انحرافات اخلاقی دانش‌آموزان تأثیر مهمی داشته، مهارت‌های ارتباطی است. طبق نظر طرفداران مکتب کنش متقابل، کسانی که از مهارت‌های ارتباطی مطلوبی در کنش متقابل برخوردارند در اغلب موارد کنش آنها موفق بوده و در مقابل درخواست‌ها و عکس‌المعمل‌های نادرست رفتار سنجیده و قاطعی دارند ولی کسانی که از مهارت کافی برخوردار نیستند، بازنده کنش متقابل بوده و ممکن است شخصیت و هویت خویش را نیز دچار تزلزل سازد. نظریه پردازان کنش عقلانی متعقدند که آن چیزی که در زندگی روزمره اتفاق می‌افتد یک نوع انتخاب است. این انتخاب معمولاً بر حسب مهارت‌ها و منطق و حساب و کتاب انجام می‌گیرد. اگر انتخاب در سر دو راهی درست نباشد انسان را به ورطه نابودی می‌کشاند. طارمیان و همکارانش نیز در تحقیق خودشان آموزش مهارت‌های زندگی را یکی از عوامل بازدارنده گرفتار شدن در منجلاّب و رفتارهای انحرافی مطرح نموده‌اند. علاوه بر آن، وینستوک نیز معتقد است که مهارت‌های ارتباطی مناسب بروز رفتارهای انحرافی را کمتر می‌سازد. در کل می‌توان گفت که نتایج این تحقیق با نظریه کنش متقابل، کنش عقلانی و تحقیق طارمیان و همکارانش سازگار و هماهنگ بوده است. بنابراین نظریه‌های فوق و تحقیق طارمیان و همکارانش قابل استفاده در جامعه آماری می‌باشد.

پیشنهادها:

اگر میزان انحرافات اجتماعی از حد و اندازه طبیعی‌اش فراتر برود آن موقع تبدیل به یک مسئله اجتماعی می‌گردد. در این صورت بایستی مطالعات علمی و منسجمی برای بررسی مسئله اجتماعی انجام شود تا طبق نتایج بدست آمده برنامه ریزی منطقی و مدون برای تعدیل و کاهش میزان شیوع مسئله اجتماعی انجام داد. بر همین اساس طبق نتایج حاصله ای تحقیق و رویکرد جدید آسیب‌شناسی اجتماعی بسته

پیشنهادی که شامل چندین عنصر به هم پیوسته است برای مقابله با انحرافات اخلاقی در مدارس متوسطه و توانمند کردن دانش آموزان در مقابله با آنها به شرح زیر ارائه می گردد.

اولین و مهمترین عنصر بسته پیشنهادی برای مقابله با انحرافات اخلاقی در مدارس تقویت سرمایه اجتماعی و مولفه های آن در بین دانش آموزان محسوب می شود. به عبارت دقیقتر، نخست، اعتمادسازی در مدارس بین دانش آموزان و معلمان و مدیران انجام گیرد. زیرا، اعتماد متقابل اولین گام در برقراری کنش متقابل اجتماعی است. اگر فرایند اعتماد سازی بدرستی انجام گیرد دانش آموزان کمتر به سراغ رفتارهای انحرافی خواهند رفت. بنابراین حاکمیت روابط رئیس و مرئوسی در مدارس خدشه جبران ناپذیر بر روابط اجتماعی دانش آموزان با معلمان و مدیران خواهد گذاشت. دوم، مشارکت دادن دانش آموز در فعالیت های مدرسه به عنوان عامل بازدارنده در آسیبهای اجتماعی می باشد. بهتر است دانش آموزان در فعالیت های مختلف مدرسه، خانه و جامعه مشارکت داشته تا خود را به عنوان عنصر مفیدی در جامعه و مدرسه به شمار آورد. این امر باعث شکوفایی استعداد های دانش آموزان شده و از رفتن به سوی رفتارهای ضد هنجاری پرهیز می کنند. سوم، گسترش شبکه روابط اجتماعی دانش آموزان است. روابط دانش آموزان با خانواده، مدرسه، دوستان، خویشاوندان مجال پرداخت به رفتارهای ضد هنجاری را از آنها می گیرد. در حالت کلی پذیرش اجتماعی دانش آموزان در مدرسه و جامعه و خانواده در سطح مطلوب منجر به نوعی خود کنترلی می شود که و این خود کنترلی اجازه تختلی از هنجارهای مدرسه و جامعه را به دانش آموزان نمی دهد. بنابراین، تقویت سرمایه اجتماعی در بین مدرسه و جامعه به دانش آموزان کمک شایانی در جهت تطبیق رفتارهای خود با هنجارهای مدرسه و جامعه خواهد کرد.

مدرسه تنها محل یادگیری، خواندن و نوشتن نیست، بلکه جایی است که دانش آموزان مهارتهای زیادی نظیر مهارتهای ارتباطی لازم برای ورود به جامعه فردا را می آموزند. دانش آموزان شاید در مدرسه درس خاصی برای یادگیری این گونه مهارتها از آموزگاران، مربیان نگیرند ولی می توانند از چگونگی رفتار آنها با خودشان و سایر دانش آموزان دریابند که در شرایط گوناگون چگونه باید رفتار کنند. بدیهی است که دانش آموزانی می توانند در این درس و آزمون موفق شوند که بتوانند در موقعیت های مختلف رفتاری صحیح و مناسب از خود نشان دهند. در مقابل اگر دانش آموزی نتواند نمره قابل قبولی از این

درس بگیرد، قادر نخواهد بود رفتاری درست و مناسب با شرایط از خود نشان دهد. یکی از مهارتهایی که دانش آموزان باید یاد بگیرند، رفتارهای حفاظتی است. آموزش رفتارهای حفاظتی در برگیرنده این پیام است که مراقب خود باش و خود را از آسیبها و خطرهای بالقوه در امان نگه دار. در آموزش این گونه رفتارها والدین و آموزگاران و مربیان می توانند نقش بسزایی داشته باشند. بسیاری از مهارتها نظیر الگو شدن برای فرزند، نقش بازی کردن با فرزند، فراهم آوردن فرصت هایی برای دوست یابی و... را به فرزندان خود آموزش می دهند. در این زمینه آموزشهای غیر مستقیم و غیر رسمی در مقایسه با آموزشهای مستقیم و رسمی تأثیر بااهمیتی خواهد داشت.

گروه دیگری از دانش آموزان در برقراری ارتباط با دیگران دچار ضعف و کمبوداند، این دسته نیاز به کمک های مشاوره ای و آموزشهای منظم و دوره ای دارند تا بتوانند این مهارتها را به خوبی بیاموزند و بکار بگیرند. همین مدرسه مناسب ترین و بهترین مکان برای یادگیری و تمرین مهارهای ارتباطی است.

تلاش برای همراه کردن علم و دانش با تقوی و پاکی در چهار چوب دین و مذهب نیز از عناصر دیگر بسته پیشنهادی به شمار می رود. تعریف، ترویج و تقویت ارزشهای اسلامی در بین دانش آموزان با استفاده از زبان جوان پسند، هنر و فناوریهای پیشرفت برای افزایش تأثیرگذاری از راهکارهای عمده مقابله با هر گونه آسیب اجتماعی قلمداد می شود. به عبارت دیگر، دین و مذهب عامل بازدارنده در گرایش افراد به اعمال خلاف هنجارهای جامعه است. نظر اسلام و قرآن در مورد گرایش به کارهای خلاف این است که همه انسان ها زیانکارند جز انسانهایی که به خدا ایمان آورده اند و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری در دین یکدیگر را سفارش کردند. پس علت اصلی تمام رفتارهای خلاف هنجارهای جامعه را قرآن در عدم ایمان به خدا بیان می کند. دانش آموزانی که از دینداری بالاتری در بعد مناسکی برخوردار بودند رفتارهایشان با فرهنگی که در آن بزرگ شده اند بیشتر تناسب داشت. این عده از دانش آموزان گرایش کمتری به رفتارهای خلاف نسبت به گروه دیگر داشته و همچنین دانش آموزان دیندارتر در بعد مناسکی به پرهیز از انحرافات اخلاقی اهمیت فراوانی قایل هستند، بنابراین تقویت میزان دینداری دانش آموزان علل مخصوص بعد مناسکی دینداری می تواند در افزایش رفتارهای صحیح و مبتنی بر آموزه های فرهنگی و دینی مفید باشد. برای دستیابی به این

امر می توان برنامه های آموزشی و پرورشی رسمی و غیر رسمی مختلف از طریق سازمان آموزش و پرورش، صدا و سیما، نهادهای مذهبی جهت ترویج و تقویت ارزش های اسلامی در جامعه و مدارس با استفاده از زبان جوان پسند، هنر و فناوری پیشرفته برای دانش آموزان اجرا نمود. همانطور که در مدارس برای تربیت جسم زنگ ورزش وجود دارد بهتر است که برای تربیت روح نیز زنگ پرورش گذاشته شود تا از طریق تقویت باورها و اعتقادات در دانش آموزان برای مواجهه با موقعیت های مشکل زا آنان را توانمند بسازیم.

منابع:

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). **نظریه های جامعه شناختی**. تهران، انتشارات سروش.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۷). **جامعه شناسی انحرافات**. تهران، انتشارات شمس.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۶). زندانیان و مساله مشارکت، نتایج یک تحقیق، **نامه علوم اجتماعی**. شماره های ۹ و ۱۰.
- سخاوت، جعفر (۱۳۸۱). بررسی عوا مل موثر بر ناهنجاری های رفتاری دانش آموزان استان لرستان، **مجله جامعه شناسی ایران**. دوره چهارم، شماره ۲ (تابستان)
- صدیق سروسرستانی، رحمت الله (۱۳۸۵). **آسیب شناسی اجتماعی**. چاپ دوم، تهران، انتشارات آن.
- طباطبایی، فرزانه و همکاران (۱۳۸۵). آسیب شناسی تربیت دینی دانش آموزان از دیدگاه مدیران مدارس راهنمایی شهر تهران، **دانشور رفتار، ویژه مقالات علوم تربیتی**. شماره ۲۱، سال ۱۳، اسفند.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۴). **طرح مسائل اجتماعی در ایران**؛ تهران، مجله انجمن جامعه شناسی ایران
- قنادان منصور و همکاران (۱۳۷۶). **جامعه شناسی مفاهیم کلیدی**. تهران، انتشارات آوای نور
- کوئن بروس (۱۳۸۴). **مبانی جامعه شناسی**. ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، انتشارات سمت.
- گلچین، مسعود (۱۳۸۵). **انحرافات اجتماعی جوانان در آینه پژوهش ها، نامه علوم اجتماعی**. شماره ۲۸، پاییز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹). **جامعه شناسی**. منوچهر صبوری، تهران، نشرنی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). **جامعه شناسی**. حسن چاوشیان، با تجدید نظر اساسی، تهران، نشرنی.

- Church, Wesley T.C., II, Tracy Wharton and Julie K. Taylor(2009): An Examination of Differential Association and Social Control Theory: Family Systems and Delinquency ,Youth Violence and Juvenile Justice; 7; 3. (<http://vyj.sagepub.com/cgi/content/abstract/7/1/3>).

- Dornbusch Sanford M., Kristan Glasgow Erickson, Jennifer Laird and Carol A. Wong(2001): The Relation of Family and School Attachment to Adolescent Deviance in Diverse Groups and Communities, Journal of Adolescent Research; 16; 396 (<http://jar.sagepub.com/cgi/content/abstract/16/4/396>).
- Gottfredson, M and T. Hirschi(1990): A General Theory of Crime, Stanford, California: Stanford University Press.
- Siegel, Larry.J(2001):Criminology:Theories,Patterns and Typologies,Wadsworth,A Division of Thomson Learning, INC.(<http://www.thomsonrights.com>)
- Tygart,C.E(1992): “Do public School Increase Juvenile Delinquency?”,Journal of Urban Education, 26:359-370.
- Winstok, Zeev(2009): The Relationships Between Social Goals, Skills, and Strategies and Their Effect on Aggressive Behavior Among Adolescents , Journal Interprets Violence; 24;
- Zgourdies,George(2000): sociology, New York, IDG Book.